

## شناسایی برخی از عوامل پایین بودن سهم نسبی درآمد زنان\*

سیدحسام الدین هدایت زاده\*\*

### مکیده

در عصر حاضر، یکی از مشغله های پیشرفت در جامعه، چگونگی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زنان و همچنین نوع نگرش به آنان در جامعه می باشد. طبیعت نامریی کار زن این مفهوم اجتماعی خاص را نیز به ارمغان می آورد که زنان عنصری وابسته و سربرار و غیر مولد محسوب می گردند و متعاقب چنین افکار و اندیشه غالب، با حمایت سنتها و تمایلات فرهنگی نابهنجار و قوانینی در تضاد با پرورش استعدادها و علایق جامعه زنان تدوین گشته و در نهایت مورد تبعیض و ستم قرار بگیرند. بهبود اقتصادی وضعیت زنان باید منطبق بر وضع قوانینی مبتنی بر بهبود موقعیت حقوقی آنها و مهیا ساختن امکانات متناسب با اوضاع اجتماعی و فرهنگ جامعه باشد. نقش شفلی زنان به عنوان نقشی جدید در کنار نقشهای سنتی زنان که شامل نقش مادری و همسری می شود مورد توجه قرار گرفته و در ارتباط با پیامدهای این تلفیق نقشها، با توجه به تأثیرات سوء یا مثبتی که اشتغال می تواند بر سلامت جسم و روان زنان داشته باشد نظریه هایی عنوان شده است. نتایج تحقیق نشان میدهد که بسیاری از زنان شاغل در کارهای ستادی و اداری و مالی شاغلند بطوریکه اکثر متخصصان در شغل غیر تخصصی - تحصیلی خود جذب شده اند. و همچنین بیش از ۶۰٪ افراد جامعه آماری درآمدی بین ۷۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه داشته اند، که بیانگر فقر درآمدی زنان می باشد که این میزان پاسخگوی نیازهای واقعی آنان نیست.

\* این تحقیق در استان آذربایجان غربی انجام گرفته است.

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه

لذا محور بحث در پژوهش حاضر، شناسایی برخی عوامل پایین بودن سهم نسبی درآمد زنان در سال ۸۲-۱۳۸۱ و ارائه راهکارهایی برای اشتغال زنان و بهبود وضع درآمدی آنها می باشد. چرا که توجه به نیمه فراموش شده اجتماع از هر نظر به نفع رشد و توسعه جوامع، بخصوص جوامع در حال توسعه (همچون کشور ما) می باشد.

**واژه‌های کلیدی:** درآمد، کار، هزینه، حرفه و شغل، تخصص، تجربه

## مقدمه

باید توجه داشت که کار کردن زنان پدیده جدیدی نیست، زنان همواره در جوامع مختلف دوشادوش مردان کار کرده اند و چه ارزش اقتصادی کارشان به رسمیت شناخته شده یا نشده باشد، در پیشرفت اقتصادی جامعه شان سهیم بوده اند. منظور از نقش شغلی جدید زنان، عمدتاً کار بصورت کار در بیرون از منزل در ازای درآمد و در چارچوب قراردادهای رسمی کاری است که در جوامع مدرن ملاحظه می شود.

زمینه مشارکت زنان در عرصه اقتصادی، و بازار کار رسمی به شکل نوین در کشورهای صنعتی تا حدود زیادی در پی تحولات مربوط به جنگ جهانی دوم فراموش آمد، که با اعزام مردان بطور گسترده به جبهه های جنگ عرصه های تولید صنعتی و خدمات به روی زنان گشوده شد. در کشورهای دیگر، جنگ نیاز مبرمی به استفاده از نیروی جایگزین زنان در عرصه کار و فعالیت اقتصادی پدید آمده بود زنان به انجام فعالیت‌های شغلی از هر نوع ممکن تشویق شدند. به این ترتیب برای اولین بار زنها را به مشاغلی سوق دادند که در گذشته این مشاغل صرفاً مردانه و سنگین شناخته می شد.<sup>۱</sup> (فصلنامه نگاه آذر، بهار ۸۱: ۲۸)

زنها که حدوداً نیمی از جمعیت جهانی را تشکیل می دهند، از دیدگاه بهره مندی تنها صاحب

از منابع مالی  $\frac{1}{11}$  بوده در شرایطی که بیشتر از نیمه دیگر پیکر جامعه بطور طاقت فرسا کار می نماید و در قبال سختیها، مشقت ها، و تحمل ناسازگاریها، مزد و حقوق کمتر، سواد پایین تر و مراقبت‌های بهداشتی کمتر برخوردار هستند.<sup>۲</sup> (فصلنامه نگاه آذر، پاییز ۸۰: ۲۴)

زنان جامعه ما در عصر و زمانی که مینا بر توسعه پایدار و ارتقاء بهره وری است می‌تواند از نیروی شگرف خویش برای دستیابی به رشد و توسعه، بهره جست و نقش خود را بخوبی ایفاء نمایند، جامعه نیز با توجه به این گنجینه عظیم ملی یعنی قدرت خلاقه

ارزانی داشتن فرصت مساوی و با توجه به مدیریت مشارکتی و تفکر شایسته سالاری می‌تواند زمینه را برای رشد اقتصادی زنان فراهم آورد و به تفکرات تحریفی و بازدارنده که موجب نادیده گرفتن خلاق بودن زن می‌باشد، اعتنا ننماید. زن نیز می‌تواند با رها کردن خود از کشمکش‌های قومی و طبقاتی، جنسی و ... نقش کلیدی خود را در جامعه ایفا نماید.

### پیشینه تمقیق

تاریخ اشتغال زنان و نقش آنها در تولید و امرار معاش به آغاز خلقت انسان باز می‌گردد. از آن زمانی که زن و مرد در انجام امور اجتماعی، اقتصادی و تأمین معاش با یکدیگر مشارکت داشته‌اند. بررسی‌های متعدد در زمینه اشتغال زنان نمایانگر تأثیر مثبت آنها در کنترل جمعیت، استقلال مالی و تقویت روحیه آنها و تربیت بهتر کودکان می‌باشد.

اما متأسفانه مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همواره به عنوان موانعی بزرگ بر سر راه اشتغال زنان و دستیابی آنان به حرفه‌ای مطلوب و مناسب با نوع مهارت‌های آموخته شده توسط آنان محسوب شده است. ( ماهنامه زنان ایران، اردیبهشت ۱۳۸۱ )

در طول تاریخ، جوامع، جامعه مردان بوده است و زن فرصت حضور در بسیاری از عرصه‌هایی که می‌توانسته بلوغ و اندیشه و پویایی خود را در آن نشان دهد، نیافته است و بلکه همواره در حاشیه مردان زیسته است، بنابراین باید از حضور برخی الگوهای زنانه که توانسته جریانی را در مسیر دفاع از ارزشهای اسلامی به راه بیندازند و حرکت و شخصیتشان در حافظه تاریخ اسلامی ثبت شده است، بهره ببریم و یادشان را زنده‌بداریم.<sup>۱</sup> ( مجید مرادی، ماهنامه پیام، ۱۳۲ )

رکود اقتصادی، تورم و بیکاری با سنگین کردن محدودیت بودجه‌ای خانواده، فرآیند مدیریت خانواده را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند و در این راستا بیشترین فشار آن بر دوش زنان خانه است.<sup>۲</sup> ( مطیع، مجله اقتصاد، ۱۳۴ )

طبق سرشماری عمومی که در سال ۱۳۷۵ انجام شده است، بیش از ۱۲ میلیون زن ایرانی شغل خود را خانه دار توصیف کرده‌اند که به منزله پایین بودن مشارکت زنان در

بازار کار است. براساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰، زنان در بخش خصوصی ۷۷/۸ درصد از کل اشتغال جامعه را به عهده دارند، آنها با محدودیتها و موانع جدی مبنی بر اشتغال مواجه می باشند به همین خاطر میزان درآمد آنان نسبت به کل بخشها کمتر است.<sup>۱</sup> (سالنامه آماری ۷۶-۷۶)

بسیاری از نظریه هایی که از درآمد زنان ارائه شده است، بر نابرابری کار و درآمد آنان در جوامع مختلف اشاره دارد و جامعه ما از این قاعده مستثنی نیست. سه تئوری برجسته که در این زمینه ارائه شده است عبارتند از:

تئوری سرمایه انسانی<sup>۲</sup>، تئوری توده وار<sup>۳</sup>، و تئوری بازارهای کار دو گانه<sup>۴</sup>، که به اختصار هر یک معرفی می شوند.<sup>۱</sup> (جی گلز، دیماه ۱۳۷۹: ۵۸)

۱- تئوری سرمایه انسانی: اعتقاد دارد که زنان پول کمتری نسبت به مردان دریافت می نمایند به این دلیل که آنان مزایا و امتیازات کمتری دارند تا در بازار کار آن خدمات را بفروشند. بطور متوسط زنان سواد کمتر و تجربه کاری کمتری دارند و کار آنان شاید بازده کمتری نسبت به مردان داشته باشد بدین دلیل در استخدام کمتر بر روی آنان تأکید می شود.

۲- تئوری توده وار: اعتقاد دارد که نابرابری درآمد از طریق انباشته شدن زنان در درون تعداد نسبتاً کمی از مشاغل بوجود آمده است. طبق قانون عرضه و تقاضا، هر چه تعداد متقاضیان کار برای یک شغل بیشتر باشد، کار فرمایان مبلغ کمتری به آنها می پردازند.

۳- تئوری بازارهای کار دو گانه: اعتقاد دارد که بازار کار به دو بخش اولیه و ثانویه یعنی بازار کار اصلی و فرعی تقسیم می شود در بازار کار اصلی شرایط کاری خوب، سودهایی با حاشیه مثبت و بالا، امنیت شغلی و اتحادیه ای بودن در مواجهه با مشکلات حاکم است. در بازار کار ثانویه، دستمزدهای پایین، شرایط کار کرد فقیرانه، امنیت شغلی پایین تر و سطوح پایین اتحادیه وجود دارد و فرصت کمتری برای ترقی است. اغلب بازارهای کار اصلی و ثانویه جداگانه فعالیت می نمایند و اکثر زنان در بازار کار ثانویه کار می کنند.

بررسی‌هایی که در زمینه‌میزان مصرف درآمد زنان انجام شده است<sup>۱۱</sup> (کار، ۱۳۷۹:۸۱) نشان می‌دهد که در مواردی که زنان ممر درآمدی دارند، سطح تغذیه و رفاه کودکان پیشرفت محسوسی داشته و مشکلات فکری وارد به خانواده کمتر است. تبعیض علیه زنان عمر تاریخی داشته و محدود به یک زمان یا مکان مشخص نیست. در سال ۱۹۸۰ به مناسبت کنفرانس کپنهاک سازمان ملل آماری منتشر کرد که نشان می‌داد بین  $\frac{2}{3}$  تا  $\frac{2}{4}$  کار در کل دنیا کار در کل دنیا توسط زنان انجام می‌شود. ضمناً آنها ۴۵٪ از تولید مواد غذایی کل جهان را به عهده داشته‌اند در حالیکه فقط ۱۰٪ از درآمد جهان بدتر از آن ۰.۱٪ از کل دارایی در جهان به آنها تعلق دارد<sup>۱۲</sup>. (فرنچ، ۱۳۷۳: ۵۲)

صندوق جمعیت ملل در گزارش خود با عنوان «مردم فقر و امکانات توسعه را، برای فقرا کارساز کنیم» تأکید کرد: اختلاف میان مردان و زنان با تداوم نابرابری جنسیتی در عرصه‌های گوناگون زندگی تشدید شده است. این نابرابری‌ها شامل: دسترسی به نهادهای اجتماعی و قانونی، منابع، اشتغال، درآمد و نیز مشارکت اجتماعی و سیاسی است. این گزارش هشدار داده است این نابرابری به فقر زنان افزوده و می‌تواند به تبعاتی جدی، نه فقط برای خود زنان بلکه برای خانواده‌ها و جوامع آنان منجر شود<sup>۱۳</sup>. (روزنامه همشهری، ۱۳ آذر ۱۳۸۱: ۲۲)

### صنعت و ارتباط آن با اشتغال و درآمد زنان

در حقیقت صنعتی شدن و بخصوص ظهور بخش خدمات، فرصتی فزاینده‌ای به زنان جهت پیوستن به اقتصاد پولی داد. صنایع کارخانه‌ای و بخش خدمات، صنایع متقاضی نیروی کار هستند و فرصتهای بسیاری برای مشارکت زنان به عنوان نیروی کار فعالی به لحاظ اقتصادی ایجاد می‌کنند.

### باروری و ارتباط آن با اشتغال و درآمد زنان

باروری نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی در مشارکت زنان در نیروی کار و کسب درآمد مطرح شده است. چرا که میزان باروری بالا مشارکت زنان را در اقتصاد پولی کاهش

می دهد و باعث ایجاد مانعی جدی در جهت پیوستن زنان به نیروی کاری فعالی به لحاظ اقتصادی ایجاد می نماید<sup>۱۸</sup> (موسوی خامنه، ۱۳۸۱: ۴۰).

بسیاری از نظریه پردازان خانواده در ایران، استقلال اقتصادی و متعاقب آن ورود زنان به بازار اشتغال و تحصیل و کسب درآمد می تواند وابستگی و پیوندهای خانوادگی را کم رنگتر نماید و زمینه را برای کنشهای نامناسب و احتمال گسسته شدن بافت خانواده فراهم نماید. لذا سرپرست خانواده و نگرش او به کار و مرافقت با اشتغال زن کم رنگتر می شود. تحقیقات نشان می دهد که در کشورهایی که مشارکت زنان در بازار کار پایین است، نرخ طلاق نیز پایین تر است.

به عنوان مثال در آمریکا و سوئد که نرخ مشارکت زنان در اقتصاد بیشتر است، نرخ طلاق نیز بیشتر است<sup>۱۹</sup>. (Becker Garys, 1998: 154)

## زنان و آموزش

برای تمام کشورهای در حال توسعه، نرخ باسوادی زنان ۳۱ درصد کمتر از نرخ باسوادی مردان است. میانگین سالهای آموزش زنان ۴۶ درصد کمتر از رقم مشابه برای مردان و میزان ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی به ترتیب ۷ درصد، ۲۷ درصد و ۴۷ درصد کمتر از ارقام مشابه برای مردان است.<sup>۲۰</sup>

در حال حاضر شواهد تجربی زیادی وجود دارد که تبعیض آموزشی علیه زنان علاوه بر اینکه نابرابری اجتماعی را تقویت می کند بازدارنده توسعه اقتصادی نیز می باشد. کم شدن شکاف جنسی آموزشی از طریق گسترش امکانات برای زنان از نظر اقتصادی به چهار دلیل زیر مطلوب است.

۱- در اکثر کشورهای در حال توسعه نرخ بازده آموزشی زنان از مردان بیشتر است.

۲- افزایش آموزش زنان نه تنها بازدهی آنان را در مزرعه و کارخانه بالا می برد بلکه همچنین به مشارکت بیشتر آنان در نیروی کار، ازدواج دیرتر، باروری پایین تر و بهبود در بهداشت و تغذیه کودکان می انجامد.

- ۳- بهبود در بهداشت و تغذیه کودکان و آموزش بیشتر مادران اثرات فزاینده ای بر کیفیت منابع انسانی هر کشور برای نسلهای متعددی آینده در بر خواهد داشت.
- ۴- به دلیل اینکه درصد زیادی از گروههای فقرا را زنان تشکیل می دهند، لذا هر گونه بهبود چشم گیر در نقش و پایگاه آنان از طریق آموزش اثر مهمی بر شکستن دایره بسته فقر خواهد داشت. (تولبرگ، ۱۳۷۸: ۲۵۶)

### حمایت از زنان در قانون کار

قانون کار به عنوان این که نقشی اساسی در روابط کار به عهده دارد در بازار کار «قانون مادر» نامیده می شود.

براساس ماده ۲۸ قانون کار، برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد به زن و مرد باید مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است. اما برخی از این هزینه ها در ارتباط با استخدام نیروی کار زنان در مقایسه با مردان، بیشتر است. طبق مبحث چهارم قانون کار، شرایط کاری ویژه ای برای زنان در نظر گرفته شده، این شرایط در مواد ۷۸، ۷۷، ۷۶ و ۷۵ تبصره های آنها ذکر شده است.

براساس این مواد، ارجاع کارهای خطرناک، سخت و زیان آور به زنان ممنوع است و در مواردی نیز کارفرما باید تا پایان دوران بارداری، بدون کسر حق السعی (مزد)، کار مناسبتر و و سبکتری به زنان ارجاع دهد. حق مرخصی دوران وضع حمل به مدت ۹۰ روز است. در کارگاه هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک در هر سه و نیم ساعت، فرصت شیر دادن بدهد و این زمان جزو ساعات کار آنان محسوب می شود و همچنین کارفرما باید متناسب با تعداد و در نظر گرفتن گروه سنی کودکان، مراکز مربوط به نگهداری آنها (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و ...) را ایجاد نماید.

گرچه بخشی از این حمایت ها از زنان امری ضروری به نظر می رسد ولی تحمیل هزینه های آن به بنگاه اقتصادی سبب گردیده تا در استخدام نیروی کار، مردان بر زنان

ترجیح داده شوند و فرصت های شغلی برای زنان کاهش یابد.<sup>۱۷</sup> (ماشومی، سیدعلی: ۱۳۰-۱۲۹)

### دوری ملصفانه<sup>۱۸</sup> بر درآمد زنان

یک میلیارد و دویست میلیون نفر در جهان با درآمدی کمتر از یک دلار آمریکا در روز، زندگی می کنند. ۷۰ درصد این جمعیت را زنان تشکیل می دهند.<sup>۱۹</sup> (مجله آوا، مهرماه ۱۳۸۰: ۴۳)

دستمزد زنان برای کارهای مشابه کمتر از مردان است به طوری که در اکثر کشورهای در حال توسعه زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می کنند، ولی حقوق آنها ۴۰ درصد کمتر از مردان است.<sup>۲۰</sup> (گیوه چیان، فاطمه، ۱۳۷۲: ۱۱۷)

طبق اسناد و مدارکی که از مرکز آماري ایالات متحده آمریکا منتشر شده است، نسبت درآمد زنان به مردان در سال ۱۹۷۳ حدود ۵۶٪ و در سال ۱۹۸۰ حدود ۶۰٪ و در سال ۱۹۹۹ این نسبت به ۷۲٪ رسیده است.<sup>۲۱</sup> (Bruce 2002 . htm)

از آنجا که برخی از فعالیتهای زنان متغیر می باشد که در ساعات بخصوصی خواهند کار کنند، لذا این خود موجب پایین آمدن دستمزد آنان می شود. در مجله بررسی نیروی کار که ماهیانه منتشر می شود چنین قید شده که ۲۰٪ از کل زنان بین ۳۴-۲۵ سالگی در سال ۲۰۰۰ دوره چهار ساله دانشگاهی را می گذرانند در حالیکه در سال ۱۹۷۵ این نسبت ۱۸٪ بوده است که رشد سریعی را نشان می دهد. همچنین زنان جوان بیشتر کار می کنند و کمتر به ازدواج و یا داشتن فرزند می پردازند نسبت این قبیل زنان در سال ۱۹۷۵، ۷۲٪ بوده و در سال ۱۹۹۹ به ۸۰٪ رسیده است.

بدین ترتیب تعداد زنان ازدواج کرده سیر نزولی داشته، و تعداد زنان دارای فرزند که در سال ۱۹۷۵، ۷۶٪ بوده است، و در سال ۱۹۹۹ به ۶۰٪ کاهش پیدا کرده که شاید افزایش اشتغال دلیل همین امر باشد. طبق این بررسی ها نسبت اشخاصی که بیشتر از ۵۰ ساعت در هفته کار می کنند از ۴۵٪ در سال ۱۹۷۵ به ۶۳٪ و در سال ۱۹۹۹ رسیده است.<sup>۲۲</sup>



## فرضیات تمقیق

- ۱- بین بافت اقلیمی منطقه با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین سطح فرهنگ اخلاقی حاکم بر منطقه با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین سطح دانش (مدرک تحصیلی و تخصص) با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین میزان تجربه عملی زنان با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین بافت اقتصادی از جهت نوع فعالیت اقتصادی، تجاری، کشاورزی، منطقه با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۶- بین نحوه نگرش جامعه کاری (اغلب مردان) در سازمانها با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۷- بین نحوه نگرش سرپرست خانواده (تأهل و...) با میزان درآمد زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.

## - روش شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مبتنی بر تحقیقات میدانی و اطلاعات جمع آوری شده از سازمانهای دولتی و خصوصی استان و متخصصین اشتغال و اقتصاد و نیز اطلاعات جمع آوری شده از جامعه آماری و تحلیل تنوریهای مختلف اشتغال و درآمد زنان می باشد.

## - جامعه آماری تحقیق

با توجه به ماهیت تحقیق «شناسایی برخی از عوامل پایین بودن سهم نسبی درآمد زنان استان» می بایست جامعه آماری از جامعیت کافی برخوردار باشد بدین ترتیب مبنای انتخاب، تحت پوشش قرار دادن تمامی افراد جامعه آماری بوده است. بدین منظور تعداد ۲۲۰ مورد پرسشنامه تهیه و توزیع شده است که پس از جمع آوری ۱۹ مورد نامعتبر و بقیه به تعداد ۲۰۱ مورد که از کلیه شهرستانهای استان بوده است معتبر شناخته شده است.

بدین ترتیب به هر یک از شهرستانهای استان با توجه به سوابق و جداول دریافتی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بین ۱۵-۱۰ مورد پرسشنامه تنظیم و حدود ۳۰ مورد پرسشنامه از مرکز استان جمع آوری شده است.

### شیوه جمع آوری اطلاعات

جهت جمع آوری اطلاعات از افراد نمونه آماری، پرسشنامه ای تنظیم و از طریق آن اطلاعات مورد نیاز جهت بررسی و تجزیه و تحلیل متغیرها جمع آوری گردیده است.

هدف عمده از پرسشنامه، مشخص نمودن وضعیت زنان شاغل در استان و گرایش فکری آنان، بررسی عواملی از قبیل نگرش فرهنگی خانواده، کار زن و اقتصاد خانواده، نگرش اقتصادی و فرهنگی جامعه، میزان تحصیلات و بافت اقلیمی و فرهنگی استان و علاقه می باشد که بر درآمد زنان مؤثر است. همچنین براساس اطلاعات دریافتی از مرکز آمار ایران و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان غربی تحلیل های جداگانه انجام شده است. سئوالات در سه برگ سئوالات عمومی، سئوالات جهت بررسی فرضیه ها و سئوالات باز برای استفاده در تحلیل و ارائه راه حل بر اساس تحقیق انجام گرفته، می باشد.

در این بررسی متغیر وابسته «سطح درآمد زنان استان» و متغیرهای مستقل شامل: «بافت اقلیمی منطقه، فرهنگ اخلاقی حاکم بر استان، سطح دانش و تخصص، تجربه عملی زنان، بافت اقتصادی و نوع فعالیت کشاورزی و نگرش مردان» می باشد.

### - تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش با استفاده از اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه ابتدا با استفاده از تجزیه و تحلیل کمی از طریق آمار توصیفی، و به وسیله جدول و نمودارها، ارتباط متغیرها بررسی شده است، و سپس در قسمت آزمون فرضیات، با استفاده از نرم افزار آماری، آزمون فرضیات با روشهای آزمون نسبت و کای دو صورت گرفته است.

## - شناسایی روشهای تجزیه و تحلیل آماری

این بخش اختصاص به شیوه هایی دارد که فرضیات تحقیق براساس اطلاعات گردآوری شده مورد آزمون قرار می دهد.

آزمون نسبت<sup>۲۳</sup>: این آزمون جهت رد یا تأیید فرضیه ها بکار رفته است در این تحقیق فرضیه های آماری به ترتیب زیر مطرح شده است:

$$H_0: P \geq \%80$$

$$H_1: P < \%80$$

می توان ادعا نمود که نسبت پاسخ دهندگانی که گزینه های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده اند بیش از ۸۰٪ کل پاسخ دهندگان است. می دانیم که تعداد موفقیتها دارای توزیع دو جمله ای است ولی اگر حجم نمونه به اندازه کافی باشد  $(NP, Nq \geq 0)$  می توان بجای توزیع نرمال به عنوان تقریبی از توزیع دو جمله ای استفاده کرد.

بنابراین آمار آزمون می تواند بصورت زیر نوشته شود:

$$z = \frac{(p - p_0) \sqrt{\frac{pq}{n}}}{\sqrt{\frac{pq}{n}}}$$

تعداد موفقیتها در نمونه

$$p = \frac{x}{n}$$

حجم نمونه

که در آن:

$p =$  نسبت موفقیت عنوان شده توسط فرضیه صفر

$$\frac{pq}{n} = p$$

واریانس توزیع نمونه گیری

آزمون کای دو<sup>۲۴</sup>  $(X)$ : این آزمون برای آزمون فرضیه درباره استقلال فراوانی هایی که در طبقه های مختلف قرار گرفته اند، به کار برده می شود. این آزمون نشان می دهد که آیا بین فراوانیهای مشاهده شده در نمونه با فراوانی فرضی اختلاف معنی داری وجود دارد؟ این مورد را برازندگی<sup>۲۴</sup> مجذور کای می نامند. نحوه محاسبه کای دو به ترتیب زیر است:

$$(X)^2 = \frac{\sum (O - E)^2}{E}$$

$O =$  فراوانی مشاهده شده یا اندازه گیری شده

که در آن:

فرآوانی مورد انتظار  $E =$

مجموع  $\Sigma =$

پس از محاسبه  $(X)$  و با استفاده از جدول توزیع مجذور کای، سطح معنی دار بودن  $t$  تعیین می شود. بنابراین با مقایسه سطح معنی دار بودن هر سؤال که در جدول مربوط تعیین شده است. میزان خطا (a) معنی دار بودن هر سؤال از توزیع نرمال، مشخص می شود.

جدول شماره (۱) میزان اشتغال و بیکاری جمعیت فعال زنان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹  
درصد<sup>۲۵</sup> (سالنمای آماری کشور ۷۹-۱۳۷۶)

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور		جنسیت زن
میزان اشتغال	میزان بیکاری	میزان اشتغال	میزان بیکاری	میزان اشتغال	میزان بیکاری	
۸۸/۳۹	۱۱/۶۱	۱۸/۲۰	۸۱/۸۰	۱۴/۹۴	۸۵/۰۶	۱۳۷۶
۹۰/۷۱	۹/۲۹	۱۹/۲۵	۸۰/۷۵	۱۳/۷۵	۸۶/۲۵	۱۳۷۷
۹۲/۲۱	۷/۷۹	۲۰/۴۰	۷۹/۶۰	۱۳/۶۱	۸۶/۳۹	۱۳۷۸
۹۰/۱۴	۹/۹۶	۲۳/۵۳	۷۶/۴۷	۱۴/۴۶	۸۳/۵۴	۱۳۷۹

جدول شماره (۲) میزان اشتغال کل کشور<sup>۲۶</sup> (سالنمای آماری کشور، ۱۳۷۶-۱۳۷۹)

مرد	زن	سال
۸۷/۲۰	۸۵/۰۶	۱۳۷۶
۸۷/۷۷	۸۶/۲۵	۱۳۷۷
۸۶/۴۷	۸۶/۳۹	۱۳۷۸
۸۶/۱۶	۸۳/۵۴	۱۳۷۹

## نتایج و تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه های تمقیق

- ۱- آزمون فرضیه اول تحقیق در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ (طبق جدول شماره ۳) با توجه به اینکه سطح معنی دار بودن آزمون کمتر از میزان خطا می باشد لذا در سطح اطمینان ۹۹ درصد می توان ادعا کرد که بین بافت اقلیمی و فرهنگی استان و میزان اشتغال رابطه معنی داری وجود دارد. لذا  $H_0$  تأیید و  $H_1$  رد می شود. (بلیل اینکه از ۸۰٪ مورد نظر بیشتر است)
- با استفاده از تحلیل آزمون نسبت مشخص می شود که از کل گزینه های پاسخ داده شده، تعداد ۱۵۴ گزینه در بر گیرنده پاسخهای خیلی زیاد، زیاد و متوسط بوده و ۴۴ گزینه جواب کم و خیلی کم بوده است، بدین ترتیب نسبت موفقیت حدود ۷۷٪ می باشد.
- ۲- آزمون فرضیه دوم تحقیق در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ (طبق جدول شماره ۳) با توجه به اینکه سطح معنی دار بودن آزمون، کمتر از خطا می باشد، لذا در سطح اطمینان ۹۹٪ می توان ادعا کرد که بین سطح فرهنگ اخلاقی حاکم بر منطقه و میزان درآمد زنان استان رابطه معنی داری وجود دارد، لذا فرض  $H_0$  تأیید و  $H_1$  رد می شود.
- با استفاده از تحلیل نسبت مشخص می شود که از کل گزینه های پاسخ داده شده ۱۵۶ گزینه در بر گیرنده جواب خیلی زیاد، زیاد و متوسط بوده و ۲۱ گزینه در بر گیرنده جواب کم و خیلی کم است. بنابراین موفقیت ۸۰٪ می باشد.
- ۳- آزمون فرضیه سوم تحقیق در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ (طبق جدول شماره ۳) با توجه به اینکه سطح معنی دار بودن آزمون کمتر از میزان خطا می باشد، لذا در سطح اطمینان ۹۹٪ می توان ادعا کرد که بین سطح دانش (مدرک تحصیلی و تخصص) و میزان درآمد زنان استان رابطه معنی داری وجود دارد. لذا فرض  $H_0$  تأیید و  $H_1$  رد می گردد.
- با استفاده از تحلیل نسبت مشخص می شود که تعداد ۱۸۵ گزینه در برگیرنده پاسخ خیلی زیاد و متوسط بوده و ۵ گزینه بیانگر پاسخ کم و خیلی کم است، لذا نسبت موفقیت ۹۷٪ می باشد.
- ۴- آزمون فرضیه چهارم در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ (طبق جدول شماره ۳)، چون سطح معنی دار بودن آزمون کمتر از خطا می باشد، لذا در سطح اطمینان ۹۹ درصد می توان ادعا کرد که بین میزان تجربه عملی و کاری زنان و میزان درآمد آنان رابطه معنی داری وجود دارد، لذا فرض  $H_0$  تأیید و  $H_1$  رد می گردد.

## نتیجه گیری

بررسی کلی نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین افراد شاغل، در طبقه لیسانس قرار داشته اند و این امر بیانگر تأثیر تحصیلات عالی در اشتغال زنان و ایجاد درآمد برای آنان می باشد. اکثریت آنان سابقه کار بیش از ۵ سال دارند و این امر بیانگر محدود بودن استخدام نیروهای جدید و کاهش سهم درآمد زنان می باشد.

بسیاری از زنان در کارهای ستادی و اداری و مالی شاغلند و این آمار زمانی بهتر جلوه می کند که بدانیم اکثر متخصصان در شغل غیر تخصصی خود جذب شده اند. ۶۰٪ افراد جامعه آماری بین ۷۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته اند که بیانگر فقر درآمدی بین زنان می باشد و بیش از ۸۲ درصد زنان معتقدند که درآمد آنها پاسخگوی نیازهای آنان نیست.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها بیانگر این است که عواملی از قبیل بافت اقلیمی و کشاورزی و فرهنگی، فرهنگ اخلاقی حاکم بر خانواده ها که عمدتاً سنتی است، سطح دانش و تخصص، میزان تجربه، نگرش سرپرست خانواده با میزان درآمد رابطه معنی داری وجود دارد، در حالیکه بر خلاف تصور بسیاری از افراد، بین نگرش مردان با کسب درآمد زنان رابطه معنی داری وجود ندارد.

تحقیقات انجام گرفته در این زمینه نشان داده است که اشتغال زن و کسب درآمد موجب بروز دگرگونیهایی در روابط اعضا و نظام های ارزشی حاکم بر خانواده می شود. در جامعه ما که متناسب با ساختار نوین خانواده، نیازها هم متنوع شده است، کار زن یک ضرورت انکار ناپذیر تلقی می شود و چنانچه توأم با برنامه ریزی و تقسیم کار عادلانه در درون خانواده باشد، زمینه برای رشد آموزشی اقتصاد و تحرک شغلی در محیط های کار و شغل فراهم گردد. در آن صورت اشتغال زن نه تنها به کار کرد و انسجام خانواده آسیب نمی رساند بلکه موجب کارکردهای مثبت از جمله: دیدار متقابل مرد و زن و افزایش روحیه انعطاف پذیری، رفاقت و ممدلی اجتماعی زوجین، بالا بردن درآمد اقتصادی خانواده، کاهش تعداد فرزندان، تأثیر مثبت بر روابط زناشویی و رضایت از زندگی و در نهایت افزایش توان روحی و شادابی و نشاط در خانواده می شود.

## پیشنهادهای

با توجه به اهمیت موضوع تحقیق و همچنین با در نظر گرفتن نتایج این تحقیق می توان پیشنهادهای به شرح زیر به منظور بهبود سهم نسبی درآمد زنان ارائه نمود.

۱- زنان خانه دار به جای تمرکز بیشتر روی کارهای خانگی می توانند با صرف وقت کمتر نیز این کارها را به نحو احسن انجام دهند و در این صورت قسمتی از وقت خود را در فعالیتهای اجتماعی صرف نمایند.

۲- تشکیل اتحادیه های محلی برای زنان جهت ارائه پیشنهادهای آنان در زمینه اشتغال و ایجاد کارگاههای کوچک خود اشتغالی تابع نظام قانون کار، از قبیل صنایع دستی و محلی برای زنان مانند زیلوبافی، خیاطی، قالیبافی، صنایع بسته بندی محصولات و ...

۳- ایجاد تشکلهای غیردولتی زنان و شناساندن آنها به زنان.

۴- تلاش جهت ایجاد رشته های تخصصی درسی (دبیرستانی) و دانشگاهی مورد نیاز در هر منطقه مانند رشته های صنایع بسته بندی و تبدیلی، هنر، حقوق زنان، و ... تا در زمینه های مورد تخصص نیروهای مورد نیاز در هر منطقه تربیت و سپس جذب شود.

۵- تشکیل تعاونیهای زنان در هر منطقه می تواند سطح درآمدی آنان را بالا ببرد به گونه ای که اهداف ذیل را در بر گیرد: بهبود وضعیت اقتصادی زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار، ایجاد امکان فعالیت جمعی و مشارکتی و جمع آوری سرمایه های خرد و سرگردان در قالب تعاونی، ارج نهادن به کرامت انسانی در عرصه فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی، توجه به استعداد و توانمندیهای بانوان و به فعالیت رساندن آنها، بالا بردن سطح تخصصی و مهارتهای زنان و جهت دهی این مهارتها به سوی اقتصاد سالم، فراهم نمودن اشتغال سالم در محیطهای مناسب با شئونات زنان، ارتقاء سطح فرهنگ و تخصص بانوان از طریق آموزشهای مناسب و مورد نیاز، تقویت هنرهای دستی و سنتی مورد توجه بانوان در هر استان، و بالا بردن کیفیت این هنرها با توجه به نیاز بازارهای داخلی و خارجی، ایجاد و تقویت مشاغل همراه با طرحهای مناسب اشتغال زا با توجه به فرهنگ و موقعیت جغرافیایی هر استان، دسترسی بیشتر زنان به اعتبارات، بازار و مراجع تصمیم گیرنده اقتصادی در هر استان.

۶- مردان حس رقابت با زنان را فهمیده و با ایجاد فرهنگ مناسب بطوری که به جای نظارت و کنترل بر زنان این را قبول نمایند که زنان نیز حقوقی دارند. زیرا اکثر اظهارات از انجمنهای آزادی زنان به خوبی از سوی بسیاری از مردان مورد قبول واقع نمی شود.

جدول شماره ۳- خلاصه و نتایج آزمون فرضیه ها

عنوان فرضیه	متغیر مستقل X	متغیر وابسته Y	سطح معنی دار	نتیجه آزمون	تعبیر آزمون
یافت اقلیمی منطقه با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	یافت اقلیمی منطقه	سطح درآمد زنان	۰/۰۱۵	تأیید $H_0$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود دارد
سطح فرهنگ اخلاقی حاکم بر منطقه با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	سطح فرهنگ اخلاقی حاکم بر منطقه	سطح درآمد زنان	۰/۰۰۳	تأیید $H_0$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود دارد
سطح دانش (مدرک تحصیلی و تخصصی) با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	سطح دانش و تخصص	سطح درآمد زنان	۰/۰۰۱	تأیید $H_0$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود دارد
میزان تجربه عملی زنان با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	تجربه عملی زنان	سطح درآمد زنان	۰/۰۰۱	تأیید $H_0$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود دارد
یافت اقتصادی از جهت نوع فعالیت اقتصادی، تجاری، کشاورزی منطقه با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	یافت اقتصادی و نوع فعالیت اقتصادی، تجاری، کشاورزی	سطح درآمد زنان	۰/۰۰۱	تأیید $H_0$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود دارد
نحوه نگرش جامعه کاری (اغلب مردان) در سازمانها با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	نحوه نگرش جامعه کاری	سطح درآمد زنان	۰/۰۱۵	تأیید $H_1$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود ندارد
نحوه نگرش سرپرست خانواده (مائل و ...) با میزان درآمد زنان ارتباط دارد	نحوه نگرش سرپرست خانواده	سطح درآمد زنان	۰/۰۰۸	تأیید $H_0$	بین X و Y رابطه معنی دار وجود دارد



## پی نوشت ها

- ۱- غفاری، مریم ، فصلنامه آموزشی نگاه آذر، بهار ۸۱ صفحه ۲۸.
- ۲- قنبرزاده ، فاطمه ، فصلنامه آموزشی نگاه آذر ، پاییز ۸۰ صفحه ۳۴.
- ۳- ماسوری ، شکوفه ، ماهنامه زنان ایران، اردیبهشت ۸۱ صفحه ۱۵.
- ۴- مرادی ، مجید، ماهنامه پیام زن، مرداد ۱۳۸۰، صفحه ۲۳.
- ۵- مطیع ناهید، « با تدبیر منزل در گردونه توسعه»، شماره ۲۳ ، صفحه ۷۳.
- ۶- سالنمای آماری کشور مرکز آمار ایران در سالهای ۷۹-۱۳۷۶.
- 7- Human capital theory .
- 8- over crowding theory
- 9- Pual labour market hypotheses.
- ۱۰- جی گلز، ریچارد، مجله پیام زن، دیماه ۷۹، صفحه ۵۸.
- ۱۱- کار ، مهرانگیز، زنان در بازار کار ایران، ۱۳۷۹، صفحه ۸۱.
- ۱۲- فرنج، مارلین « جنگ علیه زنان»، ۱۳۷۳، صفحه ۵۳.
- ۱۳- روزنامه همشهری، ۱۴ آذر ماه، ۸۱ شماره ۲۹۱۸، صفحه ۲۲.
- ۱۴- موسوی خامنه، مرضیه، زنان در فرآیند توسعه، ۱۳۸۱، صفحه ۴۰.
- 15- Becker Gays, and kivin, 1998, p. 154.
- ۱۶- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ۱۳۷۸، صفحه ۲۵۶.
- ۱۷- هاشمی ، سید علی ، فصلنامه پژوهش زنان ، تابستان ۸۱ صفحه ۱۲۹ و ۱۳۰.
- 18- Sexual Equilibrium.
- ۱۹- مجله آوا، سال اول، مهرماه ۱۳۸۰، صفحه ۴۳.
- ۲۰- گیوه چیان ، فاطمه، فصلنامه پژوهش زنان، زمستان ۸۰ ص ۱۱۷.
- 21- Bruce Bartlett www. 2002 . htm.
- 22- Monthly labour N 190-2002 P.120
- 23- Binomial
- 24- Goodness-of-fit chisquare
- ۲۵- سالنمای آماری کشور، از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹.
- ۲۶- روزنامه همشهری، پنجشنبه ، ۱۴ آذر ۱۳۸۱، صفحه ۲۲.

## منابع و مآخذ

## الف) فارسی

- ۱- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ نهم، انتشارات بازتاپ، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۸.
- ۲- جی گلز، ریچارد، مجله پیام زن، شماره ۳۰، بهار، ۱۳۷۹.
- ۳- روزنامه همشهری، پنجشنبه ۱۴ آذر، شماره ۲۹۱۸، سال ۱۳۸۱.
- ۴- سالنمای آماری کشور مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۹.
- ۵- غفاری، مریم (اثر اشتغال بر سلامت مادران)، فصلنامه آموزشی نگاه آذر، شماره ۵ آذربایجان غربی، بهار ۱۳۸۱.
- ۶- فرنج، مارلین، جنگ علیه زنان، انتشارات علمی، ۱۳۷۳.
- ۷- قنبرزاده، فاطمه (بهبود اشتغال و درآمد زنان)، فصلنامه آموزشی نگاه آذر، شماره ۳ آذربایجان غربی، پاییز ۱۳۸۰.
- ۸- کار، مهرانگیز، زنان در بازار کار ایران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹.
- ۹- گیوه چیان، فاطمه، ملاحظات درباره نقش زنان در توسعه فرهنگی، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰.
- ۱۰- ماسوری، شکوفه (توانمند سازی زنان، معضلی که در بخشنامه ها سردرگم است)، ماهنامه زنان ایران، سال اول، پیش شماره اردیبهشت ۱۳۸۱.
- ۱۱- مرادی، مجید، ماهنامه پیام زن، ترجمه سخنرانی سیدمحمد حسین فضل اله، شماره ۱۱۳، مرداد ۱۳۸۰.
- ۱۲- مطیع ناهید، با تدبیر منزل در گریه توسعه، مجله اقتصاد ایران، سال سوم شماره ۲۳.
- ۱۳- موسوی خامنه، مرضیه، زنان در فرآیند توسعه، پایان نامه، دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال ۱۳۸۱.
- ۱۴- هاشمی، سیدعلی (اشتغال زنان و هزینه های آن از دیدگاه بنگاه اقتصادی) فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۱.